

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا خسروی

۲۰ و ۲۱ قانون تعزیرات دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۱۲/۱۸ نبوده و بالفور قابلیت اجراء دارد و ثالثاً در پرونده کیفری همیشه بزه متوجه اشخاص است و در پرونده کلاسه ... متهم آقای ... بوده و چنانچه علی فرض محال که دستور موقت قابل اعتراض باشد با التفات به اینکه آقای ... از طرف آقای ... وکالتی نداشته و یا از طرف وی بعنوان وکیل مدافع مأمور به پیگیری پرونده اتهامی شان نشده اند لهذا آقای ... ذی سمت در پرونده و یا مأذون من قبل وی نبوده و حق اعتراض نیز نداشته کما اینکه بزه های تصرف عدوانی و تخریب متوجه ایشان نیز (نماینده حقوقی) نمی باشد و رابعاً در پرونده کلاسه ... متهم به همین وجه جلب رضایت اهالی محل ننموده و مدارکی که در اعتراض خویش و همچنین در مورد پرونده مذکور ارائه نموده مربوطه به غیر ازاملاکی است که شکات طرح دعوی نموده اند و در مایملک مذکور جداً مرتکب جرم گردیده و موظف بوده تا این مرحله از پرونده رضایت شکات را جلب نماید تا از رأفت اسلامی دادگاه نیز بهره مند شود.

بناء علی هذا استدلال آقای ... در صفحه دوم دادخواست و سطر سوم همان صفحه که اظهار می دارند «در حالیکه تصرف اراضی در این طرح در هر حال باید اجراء شود» قانون جنگل را به ذهن تداعی نموده و این مطلب را اثبات می کند که خلیفه می بخشد ولی آقای ... بعنوان وزیر نمی بخشد و الا بخود اجازه نمی دادند چنان استدلال غیر منطقی و

رأی دادگاه

«در خصوص درخواست آقای ... مدیر دفتر حقوقی وزارت ... به طرفیت شخص غیر معلوم دایر به ابطال دستور صادره از این شعبه مبنی بر توقیف عملیات اجرایی به شرح دادخواست تقدیمی مبنی بر اینکه در مورخه ... شعبه ... محاکم عمومی ... دستور توقیف عملیات وزارتخانه مذکور را صادر که غیر قانونی است فلذا تقاضای ابطال آن را نموده اند».

دادگاه با توجه به استدلالات غیرموجه تقدیم کننده دادخواست تقدیمی اولاً اشعار می دارد پرونده کلاسه ... کیفری بوده و آقای ... به اتهام تخریب راههای عبور و مرور مردمان روستای ... و تخریب راههای ممر آب روستائیان فوق الذکر در تصرف عدوانی زمینهای اشخاص مذکور تحت پیگرد قانونی قرار گرفته و فعلاً با قرار وثیقه آزاد بوده و پرونده در حال استدامه رسیدگی است و چنانچه قرار ... موقتی هم صادر شده باشد جنبه کیفری دارد نه حقوقی و در پرونده کیفری با ارسال اعتراض تقاضای نقض رأی یا قرار می نمایند نه اینکه دادخواست حقوقی ابطال دستور موقت تقدیم نمایند بنابراین معلوم می شود نماینده حقوقی آقای ... یا نماینده حقوقی آقای وزیر از سواد قضایی کافی برخوردار نبوده و بهتر بود در اینگونه موارد از مشاوره وکلای دادگستری بهره مند و کسب علم و آگاهی می نمودند. و ثانیاً قرارداد دستور موقت که با رعایت تبصره ۱ ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات صادر می شود قطعی و لازم الاجراء و غیر قابل اعتراض و از موارد تجدیدنظر در مواد ۱۸ و ۱۹ و

در دو شماره گذشته دور رأی جداگانه را از دیدگاه نگارش فارسی مورد بررسی قرار دادیم اما رأی دادگاه اگر بخواهد همچون یک اثر بی نقص و عیب جلوه چشمگیری داشته باشد جز این که باید از لغزشهای نگارشی برکنار باشد، می بایست از صافیهای دیگری نیز عبور کرده باشد از جمله از صافی عفت قلم و از معبر حرمت بنی آدم. اکنون نخست به رأی زیر که از یکی از دادگاههای عمومی صادر شده است نگاهی داریم:

۱۸- در متن رأی بهتر است عدد را با حروف بنویسند تا راه‌های مداخله و سوء استفاده را بر مترصدان ببینند بنابراین باید نوشته شود «ظرف بیست روز» و نه «ظرف ۲۰ روز»

و بدین گونه لغزشهای بسیاری در نگارش رأی وجود دارد که پرداختن به همه آنها در این مجال میسر نیست و اما اشکال اصلی رأی در آن است که قاضی همچنان که در بالا اشاره کردم عنان شکیبایی و بردباری را از دست نهاده است و با رها کردن جانب وزانت و منانت به طرف دعوا تاخت آورده است و در واقع او را بیهوده فرو کوفته است که چرا مثلاً چنین گفته است و چرا در اقامه دعوا رعایت بهمان دقیقه را نکرده است. قاضی در قبال دادخواست صاحبان دعوا دو حالت بیشتر ندارد یا

نشانه‌های جمع فارسی به مفرد می‌پیوندند مثلاً آسمانها درست است و نه آسمان‌ها. ترکیب «در مورخه» فصاحت ندارد. پیشنهاد می‌شود به جای آن از جمله «در تاریخ...» استفاده شود

آن را قانونی می‌بیند و می‌پذیرد یا به نظر او خلاف قانون است و آن را نمی‌پذیرد. خوب نگاه کنید به این جمله‌ها که در متن رأی آمده است: «معلوم می‌شود نماینده حقوقی آقای... از سواد قضایی کافی برخوردار نبوده و بهتر بود در این گونه موارد از مشاوره وکلای دادگستری بهره‌مند و کسب علم و آگاهی می‌نمودند». در جای دیگر آمده است: «استدلال آقای... قانون جنگل را به ذهن تداعی نموده یا نوشته است: «خلیفه می‌بخشد ولی آقای... نمی‌بخشد و الا به خود اجازه نمی‌دادند چنان استدلال غیر منطقی و بی معنایی از خود نموده باشند» و سرانجام آقای رییس دادگاه مرقوم داشته است: «واقعاً آقای... از علم قضایی هیچ گونه بهره و آشنایی نداشته و به وی توصیه می‌گردد من بعد در کارهای قضایی دیگران مداخله ننمایند!»

ملاحظه می‌فرمایید که رو به روشن شدن با مردم از این گونه اصلاً و ابداً در شأن قاضی دادگستری نیست و ما نباید با تأثیر گرفتن از هیجانها و عواطف و احساسات و فضاهای جانبی کار، چنان از خط بی طرفی بیرون برویم که به خود اجازه بدهیم دیگران را در رأی خویش مورد طعن و تمسخر و تحقیر قرار دهیم. اگر اهالی فلان روستا آن چنان که در رأی آمده است مستضعف و زحمتکش باشند و خواهان پرونده وزیر و صاحب منصب باشند نه استضعاف آنان و نه استکبار ایشان هیچ کدام به قاضی ربطی ندارد چرا که قاضی حق را با قانون می‌سنجد و نه با هیچ معیار دیگری.

۸- استفاده از فعل «آزاد بوده» برای کسی که الآن آزاد است، درست نیست باید می‌نوشت: فعلاً با قرار وثیقه آزاد است.

۹- اگر درست خواننده باشم در جمله: «در حال استدامه رسیدگی است» واژه ادامه یا استدامه اصلاً زاید است، همان در حال رسیدگی است، کافی به نظر می‌رسد.

۱۰- استفاده از ترکیب بالفور یا فی الفور به جای فوراً و فوری و بی درنگ، سنگین و زمخت می‌نماید و فصاحتی هم ندارد.

۱۱- در جهت همزه زدایی از خط فارسی توصیه شده است که حتی در واژه‌های عربی آن گاه که به همزه پایان می‌گیرند و قبل از همزه الف بلند قرار دارد، همزه نه خوانده شود و نه نوشته شود، پس باید نوشت دعا و ابتدا و اجرا و نوشتن دعاء و ابتداء و اجراء با قید همزه درست نیست.

۱۲- نشانه جمع به مفرد، پیوسته نوشته می‌شود مثلاً آسمانها درست است و نه آسمان‌ها، پس نوشتن ترکیب یزه‌ها به صورت گسسته درست نمی‌باشد و باید نوشته شود یزه‌ها.

۱۳- در نوشته‌های رسمی استفاده از ضمیر ایشان برای شخص مفرد درست نیست. در دو مورد نویسنده رأی برای اشاره به نماینده حقوقی خواهان از واژه ایشان استفاده کرده است، در این موارد از عبارتهای نامبرده، او، وی و مثلاً مشارالیه می‌توان استفاده کرد.

۱۴- واژه «دعوا» را به شکل «دعوی» نوشتن درست نیست زیرا در فارسی الف مقصوره وجود ندارد پس شوری و فتوی و دعوی را باید شورا، فتوا و دعوا نوشت.

۱۵- استفاده از عبارت «اظهار می‌دارند» برای اشاره به آنچه در جایی نوشته شده است، درست نمی‌باشد یعنی نباید گفت فلان شخص در سطر ۲ صفحه ۳ لایحه اظهار داشته است باید نوشته شود: در سطر ۲ صفحه ۳ لایحه آورده است یا نوشته است یا نگاشته است، چرا که اظهار داشتن با بیان مطلب زیننده است نه با نگارش آن.

۱۶- ضرب المثل معروفی که در فارسی رواج دارد این است: یک سوزن به خودت بزن و یک جوالدوز به دیگری، آن وقت در رأی آمده است: یک تیر یا تیر به خودشان بزنند و بعداً یک جوالدوز به اهالی روستا... که پیداست از ضرب المثل به همان گونه باید یاد کرد که معروفیت و مناسبت دارد نه به هر شکل دیگری وانگهی در قراردادگاه و در رأی دادگاه و در دستور قضایی جایی برای ارسال المثل و شعر و حدیث و حتی آیه قرآن وجود ندارد. قاضی فقط و فقط با قانون سروکار دارد و نه با هیچ مستند دیگری.

۱۷- استفاده از ترکیب «می‌بایست» زمانی مجاز است که فعل جمله به گذشته اشاره داشته باشد در غیر این صورت از ترکیبهای باید و می‌باید سود می‌جویند.

بی معنایی از خود نموده باشند که فقط شکات استحقاق دریافت خسارت را دارند!! به آقای... باید تذکر داد اولاً یک نیشترا (تیر) بخودشان بزنند و بعداً یک جوالدوز به اهالی مستضعف و زحمت کش روستای... خامساً دادخواست بدون معرفی خواننده و یا خوانندگان قابلیت رسیدگی نداشته و می‌بایست مستنداً به ماده ۸۵ ق.آ.د.م رفع نقص بعمل می‌آوردند و چون اصل طرح دعوی خواهان بی مورد و بی اصل بوده و رفع نقص نگردیده و حتی طرفین دعوی دعوت به رسیدگی نیز نشده‌اند و خود این موضوع دلالت دارد که واقعاً آقای... از علم قضایی هیچگونه بهره و آشنایی نداشته و بوی توصیه می‌گردد من بعد در کارهای قضایی دیگران دخالتی ننمایم چون بهتر از ایشان وکلایی هستند که بتوانند از حقوق دولتی که بیت المال نیز می‌باشد علماً و عملاً دفاع نمایند لهذا بنا به توجیهات مذکور خواسته خواهان غیر صحیح و عیناً مردود اعلان می‌گردد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز بعد از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم محترم تجدیدنظ استان... می‌باشد.

رییس شعبه... با خواندن رأی کم و بیش متوجه شده‌اید که در واقع در صدور این رأی هم به توصیه‌های نگارشی بی‌التفاتی شده است و هم قاضی عنان بردباری و شکیبایی را از دست نهاده است و به مورادی پرداخته است که ربطی به کار قضایی ندارد.

۱- نگارش ترکیبهای «بطرفیت»، «شرح»، «باتهام»، «بعنوان»، «بخوشان بعمل آوردند و بوی» به لحاظ این که حرف «ب» را متصل به اسمهای بعد از آن نوشته است، اشتباه می‌باشد. باید نوشته شود: به طرفیت، به شرح، به اتهام، به عنوان، به خودشان به عمل می‌آورند، به وی...»

۲- واژه دائر را با همزه نوشته است که اگر چه اصلاً غلط نیست اما در جهت همزه زدایی از نگارش فارسی سزاوار است که به جای همزه از حرف «ی» استفاده شود و دایر نوشته شود.

۳- ترکیب «در مورخه» فصاحت ندارد. پیشنهاد می‌شود به جای آن از جمله «در تاریخ...» استفاده شود.

۴- واژه را که نشانه مفعول مستقیم است نباید به کلمه پیش از خود پیوسته نوشته شود بنابراین نوشتن «آترا- کتابرا و ایشانرا» غلط است. باید نوشته شود آن را- کتاب را - و ایشان را.

۵- به کار بردن مشتقات مصدر «نمودن» به جای «کردن» درست نیست باید به جای «ابطال آن را تقاضا نموده‌اند» نوشته شود «ابطال آن را تقاضا کرده‌اند».

۶- متصل نوشتن پیشواژه «می» و «هیچ» به فعل و اسم بعد از آنها درست نیست پس به جای «میدارد»، می‌شود، و هیچگونه» باید نوشته شود می‌دارد، می‌شود، و هیچ گونه.

۷- در واژه‌های فارسی، همزه جز در آغاز کلمه وجود ندارد پس به جای روستایی باید روستایی نوشته شود و نیز به جای مثلاً دانائی باید دانایی نوشته شود